



سیسپهای

مسلک

معلول

مقدمه :

روزبروز به تعداد دانش آموزان معلول جسمی در کلاسهای درس مدارس افزوده می شود . این مساله انعکاس منطقی شرایط موجود اجتماعی و زائیده وضع خاص کشور به دلیل بروز جنگ تحمیلی است که بر شمار معلولان بطور کلی و معلولان درسین دانش اندوزی بطور خاص افزوده می افزاید . در چنین شرایطی ، هر معلم مدرسه ای باید منتظر پذیرش یک یا چند دانش آموز ضایعه دیده در کلاس خود باشد . بنا بر این برعهده مقامات و دست اندرکاران آموزش و پرورش است که با ارائه مطالب ، سمینارها و دادن آموزشهای ضروری ، به دانشمعلمان در برخورد با این قبیل دانش آموزان افزوده و آنها را برای رودر روئی با این پدیده اجتماعی آماده نمایند . معلمان آموزش



سالم در جامعه پیدانماید. بنابراین شما بعنوان یک معلم وظیفه دارید:

به بچه‌ها کمک کنید تا نگرشی مثبت و منطقی نسبت به بچه‌های معلول پیدا کنند. برای انجام این منظور که در عین نشاط انگیز و آموزشی بودن بچه را در جهت درک عمیق‌تر نسبت به ماهیت نارسائیه‌ها و محدودیت‌های جسمی هدایت می‌کند پیشنهادات و اهداف زیر در تنظیم یک برنامه جامع ارائه میشود:

بالا بردن میزان پذیرش کودکان معلول بعنوان یک فرد و تفهیم این نکته که آنها نیز درست شبیه سایر افراد بوده و باید برای شرکت در فعالیتهای گروهی عادی تشویق و ترغیب شوند.

ماهیت برخی کمبودها و محدودیتهای جسمی را به بچه توضیح دهید و آنها را تشویق کنید با سئوالات ادراکی و احساس درونی در ابعاد این معلولیتها به تفکر و بررسی بپردازند. هر جا که ممکن باشد بچه‌ها را وادار کنید سعی کنند خود را به جای یک فرد معلول گذاشته و شرح بدهند که آیا دوست دارند از بقیه افراد جدا نگه داشته بشوند؟ حقیرتر از دیگران به نظر آیند؟ برای آموختن عواطف و نگرش‌ها باید بچه‌ها را با واقعیتها آشنا کرد. در باره علل برخی از معلولیتها می‌توانید بطور صریح و آشکار توضیح دهید. به وسایل و ابزار کمکی که برای افراد معلول قابل دسترسی هستند اشاره کنید. انواع صندلی چرخدار، انواع عصا، دست و پای مصنوعی و غیره را به آنها بشناسانید. خدمات توانبخشی از قبیل فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتار درمانی، دست و پا سازی را برایشان توضیح دهید.

دیده نیز در عمل می‌توانند سایر دانش‌آموزان کلاسها را برای اختلاط و آمیزش هر چه منطقی‌تر و صمیمانه‌تر با هم‌کلاسی‌های معلول خود تعلیم دهند و بدین ترتیب باری عظیم از دوش مسئولان توانبخشی در رابطه با آماده سازی جامعه برای پذیرش افراد ضایعه دیده و معلول و نیز بازسازی افراد معلول در جهت احساس مقبولیت در جامعه برداشته خواهد شد.

در این مختصر که با استفاده از تجربه‌ها و یافته‌های محققین و صاحب نظران در زمینه مسائل اجتماعی و روانشناختی کودکان تهیه شده است، سعی شده تا به ساده‌ترین وجه به این مهم پرداخته شود. باشد که این قدم هر چند کوچک، راهگشای اقدامات مفیدتر و وسیعتر در جامعه انقلابی ما باشد.

اختلاط معلول و غیرمعلول

آخرین و مهمترین مرحله از توانبخشی، بازسازی و برگشت دادن فرد ضایعه دیده و معلول به جامعه و کمک به وی برای از سرگیری زندگی عادی و روزمره است. این مرحله، فرایندی دوطرفه است. بدین معنی که همزمان با آماده سازی فرد ضایعه دیده برای جذب شدن در جامعه پیرامون خود و اختلاط و آمیزش با افراد معمولی باید سایرین را نیز از نظر طرز فکر و تلقی و نگرش آموزش داد تا به نقیصه عضوی فرد توجه نداشته بلکه مانند یک انسان معمولی دیگر، به قابلیت‌ها، تواناییها و حیثیت وی درکل نظر کنند چراکه تا چنین آمادگی و نگرشی در جامعه پیرامون فرد معلول وجود نداشته باشد، وی امکان نمی‌یابد تا احساس مقبولیت کرده و تصویری روشن از هویت و موجودیت خود بعنوان یک فرد مفید و



آنها را با موانعی از قبیل پله های زیاد، درهای کم عرض، آسانسورهای کوچک، تلفن های عمومی که خارج از دسترس معلولین نصب شده اند، شیرهای آب در ارتفاع زیاد، توالت ها و غیره که تحت عنوان موانع معماری برای معلولین به حساب می آیند آشنا کنید و توضیح دهید که با تدابیر جزئی از قبیل ساختن سطح شیب دار و تدوین مقرراتی برای معماری و شهرسازی از نظر مراعات حال معلولان بویژه آنها که روی صندلی چرخدار نشسته اند، می توان زندگی را اندکی برای این افراد آسانتر کرد. از توانائیه ها و استعداد های افراد معلول بویژه از موفقیت های معلولان سرشناس دنیا برایشان تعریف کنید. تاکید را روی آنچه که افراد معلول می توانند بگذارید نه روی هر آنچه که نمی توانند. خواهید دید که بچه های کلاس شما چقدر شیفته و مجذوب این حقایق و واقعیتها خواهند شد.

می توانید صندلی چرخدار، عصا، و غیره را امانت گرفته و سر کلاس ببرید. بچه ها را ترغیب کنید از آنها استفاده کنند. بیشتر بچه ها ممکن است از سوار شدن بر صندلی چرخدار خوشحال شوند. بچه های معلولی که روی صندلی چرخدار هستند نیزگاه از این سواری لذت می برند و بین خود مسابقه و یلچرانی ترتیب می دهند، همچنانکه بچه های معمولی مسابقه دوچرخه سواری می دهند.

در ساعات ورزش، مسابقاتی بین بچه ها ترتیب بدهید که بچه های معلول نیز نه تنها می توانند در آنها شرکت کنند، بلکه گاه بهترین رکوردها را هم همین بچه ها بدست می آورند.



کتاب، مجله، فیلم و اسلاید در مورد مسابقات معلولین، نحوه زندگی روزمره آنها، موفقیت های اجتماعی شان، مبارزه شان برای زندگی هر چه بهتر و پرثمرتر فراوان یافت می شود. استفاده کردن از این منابع در کلاسها موجب درک عمیق تر بچه ها نسبت به معلولین و معلولیت می شود. گاه و بیگاه نمایشگاههایی از آثار هنری و صنایع دستی و نیز مسابقات ورزشی معلولین برگزار می شود. بردن بچه ها به این قبیل مراسم، بسیار مؤثر است.

مساله بسیار حساس و قابل تفکری که اغلب پیش می آید این است که بچه ها (حتی بزرگترها) در برخورد با افراد معلول، بویژه

دهند تهیه نمایند.

یکی از روشهای بسیار موثر در تغییرنگرش بچه‌ها نسبت به معلولان، دعوت کردن یک یا چند نفر از اشخاص با معلولیت‌های جسمی مختلف به سرکلاس است تا بچه‌ها از زبان خود این اشخاص داستان زندگی و شرح موفقیت‌ها و تلاش و مبارزاتشان را در پیدا کردن مسیر زندگی در جامعه بشنوند. در عین حال، این افراد می‌توانند براحتی، صراحت و صداقت به پرسشهای بچه‌ها در مورد علل و عوامل معلولیت و تواناییها و ناتوانی‌های افراد در موارد گوناگون پاسخ دهند. البته باید بسیار دقت کرد که بچه‌هایی جهت دچار دلهره و اضطراب نشده و به خاطر احتمال معلول شدن، آرامش فکریشان بهم نخورد. مثلا "یکی از موارد بسیار رایج معلولیت در کشور فلج اطفال است. بنابراین اگر فردی را که در اثر بیماری فلج اطفال دچار معلولیت شده به کلاس بیاورید، او براحتی می‌تواند ضمن توضیح درباره علل و کیفیت معلولیت خود به بچه‌ها این اطمینان خاطر را بدهد که خطر فلج شدن از سر بچه‌ها گذشته و احتمال وقوع این معلولیت برای آنها وجود ندارد.

در صورت امکان از یک فیزیوتراپیست دعوت کنید تا با حضور در کلاس درباره کمک به معلولان برای مستقل شدن و رفع پارهای از نارسائیهای جسمی توضیح دهد و تکنیکهای خاص برخی از ابزار و وسایل را نشان بدهد یا درباره‌شان صحبت کند. همچنین تراپیست یا درمانگر می‌تواند راههایی را که خود بچه‌ها می‌توانند به افراد معلول کمک کنند به آنها گوشزد کند. مثلا "آموزش این نکته که خود معلول در صورت نیاز، خودش باید تقاضای کمک کند و اصراری موقع برای کمک

بچه‌هایی که دچار نقایص یا ضایعات جسمی هستند احساسی از ترحم از خود بروز می‌دهند و یا آنها را موجودات درمانده و بکلی عاجز تصور می‌نمایند فقط جنبه‌های منفی و ناتوانیها را می‌بینند. یک معلم و یا هر بزرگتر فهمیده و کارآزموده ای هرگز بلافاصله این احساس بچه‌ها را سرکوب نمی‌کند. نباید به بچه‌ها تحکم کرد که مثلا "دلشان به بچه‌های معلول نسوزد، بلکه بجای آن بهتر است موضوع را با پرسشهای بیشتر و بیشتر برایشان روشن ساخت. بعنوان مثال باید از آنها بپرسید: "آیا کسی را می‌شناسید که دارای معلولیت باشد؟ آیا این شخص کار می‌کند؟ آیا محارح زندگی خود و خانواده اش را تامین می‌کند؟ آیا این شخص حرفه یا سرگرمی دارد؟

نمونه‌هایی از افراد معلول را که علیرغم نقایص جسمی، زندگی پربار و رضایتبخشی را دنبال می‌کنند به بچه‌ها ارائه بدهید. مثلا " از زنی صحبت کنید که از روی صندلی چرخدار خود بعنوان یک پرستار به بیماران خود خدمت می‌کند، از معلمی بگوئید که نابیناست و از مردان فلجی یاد کنید که شناگران یا خلبانان ماهری هستند. اگر دیدید باور کردن اینها برای بچه‌ها مشکل است، از آنها بخواهید خودشان را جای این افراد بگذارند و صحنه را مجسم کنند. مثلا " نشان بدهند که چطور می‌توانند بدون داشتن یک دست و یا یک پا و یا بدون استفاده از دو پا، سوار ماشین شوند یا در فعالیتهای مختلف اجتماعی شرکت کنند. پس از آن می‌توانید که از بچه‌ها بخواهید با استفاده از قدرت تفکر و به مدد مشاهده و تجربه فهرستی از فعالیتهای و کارهای مختلف را که افراد با معلولیت‌های مختلف می‌توانند انجام

— "آیا احمد امروز می‌تواند همه‌کارهایی را که هفته پیش می‌توانست انجام دهد بکند؟" او امروز چه‌کارهایی را نمی‌تواند بکند؟" — آیا می‌تواند ۲ طبقه پایین رفته و از دفتر مدرسه کره جغرافیائی رابه کلاس بیاورد؟" — او را در بازی هندبال شرکت می‌دهید؟ — اگر نمی‌تواند هندبال بازی کند پس زنگ ورزش باید چکار کند؟ "آیا می‌توانید بازی‌ای فکر کنید که احمد هم بتواند با شما بازی کند؟" — "می‌شود توی بازی شما

کردن به وی ممکن است موجب آزرده‌گی خاطر معلول بشود، هم برای بچه‌های معلول و هم بچه‌های غیرمعلول کلاس خالی ازفایده نیست. گاه پیش‌می‌آید که یکی از شاگردان شما در کلاس بدلیلی دچار نقص عضو موقتی مثل شکستگی بازو، پا، دررفتگی قوزک پا و غیره بشود. این فرصتی است که باید از آن استفاده کارسازنمائید. باید بحثهای توأم با تفکر و اندیشه را بین بچه‌ها برانگیزید. بعنوان مثال از بچه‌ها سوال می‌کنید:



برنامه‌های گردش علمی دسته جمعی موجب می‌شود تا بچه‌ها احساس همبستگی و اختلاط بیشتر و صمیمانه‌تری پیدا کنند.

موارد یاد شده، شروعی برای تفکر سازنده در مورد اختلاط و همساز کردن بچه‌های معلول و غیر معلول در مدارس بود و امید است معلمان دلسوز و شایسته در سایه‌اندیشه و تجربه اقدامات مشرک‌تر تری در این زمینه بعمل آورند. اصل مهم این است که طرز فکر کهنه و منسوخ جدا کردن معلول و غیر معلول در جوامع از بین رفته و دیگر خریداری بین معلمان و دانش‌آموزان نداشته باشد. در عین حال باید اضافه کنیم همه کسانی که از افراد معلول (چه در مدرسه، یا اداره یا در همسایگی) دوری می‌کنند به دلیل عدم علاقه‌شان به این افراد یا احساس کراهت از معاشرت با آنها نیست بلکه در اصل به این علت است که واهمه دارند مبدا نتوانند برخوردار شوند و منطقی با این افراد داشته باشند و یا اینکه در اثر سهل انگاری و بطور ناشیانه، احساسات آنها را جریحه دار کرده و ایجاد سوء تفاهم نمایند. بنابراین ترجیح می‌دهند که از آنها فاصله بگیرند. بر شما معلمان ارجمند است تا در جوار آموزش مواد درسی، به شاگردان خود درس انسانیت بدهید. به آنها بیاموزید که تفاوت‌های ظاهری در انسانها اعم از رنگ پوست و مو، کوتاهی و بلندی قد، داشتن دست یا پا و غیره چیزی نیست که فی‌ال‌نفسه ارزشی داشته باشد. فضیلت انسان در انسان بودن است، در ارزشمند بودن و ارزش قائل شدن به دیگران است. خواه این دیگران معلول باشند و خواه غیر معلول.



مثلاً "خوددی بشود تا احساس نکند که شما او را به کلی کنار گذاشته‌اید؟

بهتر است بچه‌ها را متوجه کنید که در بین بچه‌هایی که دارای معلولیت‌های دائمی هستند، بعضی‌ها دوست دارند در بازیها و مسابقات وقت نگه‌دار باشند و یامی‌توانند حساب امتیازهای دو تیم یا افراد مسابقه دهنده را نگه‌دارند و یا مثلاً "خط نگه‌دار باشند. و بعضی‌ها هم خیلی خوشحال می‌شوند که سوار بر صندلی چرخدارشان توپ بازی کنند هر چند که منجر به افتادن از روی صندلی بشود. بنابراین باید به این قبیل افراد هم فرصت داد تا بنا به میل و توانایی خود در مراسم شرکت کنند.

در اغلب موارد افراد غیر معلول اندیشه ناسازگاری در مورد فعالیتها و حرفه‌های مناسب برای افراد معلول دارند. به بچه‌ها کمک کنید تا در مورد اینکه احمد قادر به انجام چه کارهایی است پیشنهادات واقعی و درستی ارائه دهند.

مثلاً "یک هفته پس از گچ گرفتن پای احمد از بچه‌ها بپرسید: " که آیا امروز از دفعه اولی که احمد را با پای گچ گرفته دیدید حالت احمد فرق کرده یا نه؟ - آیا پای گچ گرفته وی چیزی را در وی عوض کرده؟" از احمد بپرسید آیا احساس می‌کنی چیزی در تو تغییر کرده؟ - " آیا به مدرسه آمدن برایت مشکل تر شده؟" به مدرسه آمدن بچه‌هایی که برای همیشه دچار ضایعه هستند، چگونه؟ " آیا بهتر است این بچه‌ها به مدرسه بیایند یا اینکه معلم سرخانه داشته باشند؟

ترتیب دادن مسابقات ورزشی و برگزاری جشنها و نمایشها و سرور خوانی‌هایی که به مناسبت‌های مختلف در مدارس صورت می‌گیرد یا شرکت بچه‌های معلول و غیر معلول و دعوت از بچه‌های معلول سایر کلاسها یا مدارس برای شرکت در